

Research Article

Children's Lived Experiences of Parental Extramarital Relationship

Marziyeh Dindoost¹ & Mona Cheraghi^{2*}

1. Master of Family Counseling, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. Email: m.dindoost73@yahoo.com

2. Ph.D. in Clinical Psychology, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. Email: m_cheraghi@sbu.ac.ir

Abstract

Aim: The aim of this study was to identify the lived experiences of children whose parents had extramarital relationships.

Method: This qualitative research utilized an interpretive phenomenological approach. The study population consisted of children aged 18-22 years whose parents had extramarital relationships. Using targeted and snowball sampling methods, 10 children were selected until data saturation was achieved. Semi-structured interviews were conducted with the participants, transcribed verbatim, and analyzed according to the method of Smith and Osborne (2015).

Results: Six main themes were extracted from the data: 1) children's exposure to parents' extramarital relationships, 2) children's interpretation of parents' extramarital relations, 3) changes experienced by the child within the family, 4) personal injuries inflicted on the child, 5) interpersonal injuries inflicted on the child, and 6) posttraumatic growth following parents' extramarital relations. The essence of the children's experience was "the desire to restore the family and return to the conditions before the extramarital relationship occurred, while being aware of its impossibility."

Conclusion: The findings suggest that children's lives are profoundly affected by parents' extramarital relationships in multiple ways. It is necessary to provide support systems tailored to the needs of these families.

Key words: Family, Extramarital Relationship, Parent-Child Relationship

Citation: Dindoost, M., & Cheraghi, M. (2024). Children's Lived Experiences of Parental Extramarital Relationship. *Appl. Psychol* 18 (2):33-60.

تجارب زیسته فرزندان از روابط فرازناشویی والدین؛ یک مطالعه پدیدارشناسانه

مرضیه دین‌دوست^{۱*} و مونا چراغی^{۲*}

۱. کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. ایمیل: m.dindoost73@yahoo.com
۲. دکتری روان‌شناسی بالینی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. ایمیل: m_cheraghi@sbu.ac.ir

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف شناسایی تجارب زیسته فرزندان از روابط فرازناشویی والدین انجام شد.

روش: روش پژوهش، کیفی با رویکرد پدیدارشناسی تفسیری است. جامعه مورد مطالعه، کلیه فرزندان ۱۸-۲۲ سالی بودند که یکی از والدین‌شان سابقه رابطه فرازناشویی داشته است. با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و گلوله‌برفی، تا زمان اشباع داده‌ها، ۱۰ نفر از این فرزندان انتخاب شدند. از شرکت‌کنندگان مصاحبه نیمه‌ساختاریافته به عمل آمد، سپس کلمه به کلمه پیاده‌سازی شده و به روش اسمیت و اسبورن (۲۰۱۵) تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: در این مطالعه ۶ مضمون اصلی: (۱) مواجهه فرزند با روابط فرازناشویی والدین؛ (۲) تعبیر فرزند از روابط فرازناشویی والدین؛ (۳) تغییرات ایجاد شده برای فرزند در خانواده؛ (۴) آسیب‌های فردی وارد شده به فرزند؛ (۵) آسیب‌های بین‌فردی وارد شده به فرزند و (۶) رشد پس از ضربه روابط فرازناشویی والدین، استخراج شد. جوهره تجربه فرزندان "آرزوی ترمیم خانواده و بازگشت به شرایط پیش از وقوع رابطه فرازناشویی، در عین آگاهی به عدم امکان‌پذیری آن" بود.

نتیجه‌گیری: مطابق یافته‌های پژوهش، به نظر می‌رسد زندگی فرزندان از چندین جنبه تحت تأثیر روابط فرازناشویی والدین قرار گرفته و لازم است به تناسب شرایطشان برای این خانواده‌ها، سیستم‌های حمایتی فراهم شود.

کلید واژه‌ها: خانواده، رابطه فرازناشویی، رابطه والد-فرزندی

استناد به این مقاله: دین‌دوست، مرضیه، و چراغی، مونا. (۱۴۰۳). تجارب زیسته فرزندان از روابط فرازناشویی والدین؛ یک مطالعه پدیدارشناسانه. فصلنامه روان‌شناسی کاربردی، ۱۸ (۲)، ۶۰-۳۳.

مقدمه

اکثریت قریب به اتفاق افراد انتظار وجود اعتماد و تک همسری در روابط عاشقانه خود دارند، با این وجود بخش قابل توجهی از آن‌ها درگیر روابط فرازنشویی می‌شوند، از این رو، روابط فرازنشویی ساختاری پیچیده برای مطالعه و پژوهش است (ویزر و همکاران، ۲۰۱۴). در معنای عام و از نظر تاریخی، رابطه فرازنشویی، نقض قرارداد انحصاری بودن رابطه جنسی میان دو نفری که با هم طی یک رابطه متعهدانه عقد یا ازدواج کرده‌اند، در نظر گرفته شده است (لاسترمن، ۱۹۹۸)، این تعریف طی سال‌های اخیر گسترش یافته و رفتارهای بیشتری را دربرمی‌گیرد. در تعاریف جدید، رابطه فرازنشویی می‌تواند به دو شکل صمیمیت جنسی-فیزیکی و صمیمیت عاطفی رخ دهد (باس، ۲۰۱۸).

هنگامی که تعریف روابط فرازنشویی مطرح می‌شود، برخی توافقی‌ها و اختلاف نظرهایی در این زمینه وجود دارد، اختلاف نظر درباره تعریف آنچه رابطه فرازنشویی است، مهمترین دلیلی است که در منابع مختلف، آمار این روابط متفاوت گزارش شده است؛ آمارهای اخیر نشان می‌دهد ۲۲ تا ۲۵ درصد مردان و ۱۱ تا ۱۵ درصد زنان حداقل یکبار خارج از چهارچوب رابطه زنشویی‌شان، رابطه داشته‌اند؛ به علاوه مطالعات حاکی از آن است که مردان در مقایسه با زنان دو برابر بیشتر به رابطه جنسی نامشروع می‌پردازند (هریس، ۲۰۱۸). در ایران، درصد شیوع روابط فرازنشویی مشخص نیست، با این حال مجموع مطالعات مرتبط در این زمینه، گویای افزایش چنین روابطی هستند (فاتحی‌زاده و همکاران، ۱۴۰۱). ورود به روابط فرازنشویی، رویدادی آسیب‌زا است که علاوه بر تخریب دائمی رابطه همسران (هیتیر، ۲۰۲۰)، فرزندان خانواده را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهند (ناگلس، ۲۰۲۰).

فرزندان انتظار دارند والدین برایشان احساس امنیتی را فراهم آورده و الگوهای رفتاری مطلوب را به آنان ارائه دهند؛ این امنیت، بیش از آنکه به ارتباط عاطفی بین والدین و فرزندان وابسته باشد، در مشاهدات و برداشت‌های فرزندان از رابطه بین والدین‌شان ریشه دارد (سافیتیری و سوپراتمن، ۲۰۲۲)؛ پر واضح است که اگر والدین درگیر روابط فرازنشویی باشند، رابطه آشفته‌ای با یکدیگر خواهند داشت و بنابراین از تامین احساس امنیت برای فرزندان باز می‌مانند. در این شرایط، فرزندان ناکامی، پریشانی‌ناامیدی را تجربه خواهند کرد، همچنین شرم ناشی از روابط فرازنشویی والدین ممکن است منجر به سکوت و بازداری در آنان شود (باهنر و همکاران، ۱۴۰۱). پژوهش‌ها نشان می‌دهد بعد از افشای روابط فرازنشویی در خانواده و مطلع شدن فرزندان، زندگی آنان هرگز به حالت قبلی باز نخواهند گشت و فرزندان تغییرات روانشناختی قابل توجهی را نشان می‌دهند (ایسرئال و همکاران، ۲۰۲۰). احساسات ناخوشایندی از قبیل اضطراب، احساس گناه،

ترس، نگرانی، افسردگی، شوک، پرخاشگری، خشم، نفرت، رنجش و ناامیدی از جمله این تغییرات هستند (تان و یاسین، ۲۰۲۰). به علاوه فرزندان چنین خانواده‌هایی، بیشتر درگیر ابراز احساسات منفی هستند و به احتمال زیاد خود را برای درگیری بین والدینشان سرزنش خواهند کرد (لوبیس و همکاران، ۲۰۲۱).

از طرفی والدین درگیر در روابط فرازنشویی نیز در مقایسه با سایر والدین، به نحو متفاوتی با فرزندان خود رفتار می‌کنند؛ چنین والدینی، از سبک فرزندپروری خشونت‌آمیزی استفاده کرده و عشق و محبت کمتری را نسبت فرزند ابراز می‌دارند (آملیا و همکاران، ۲۰۲۰)، این امر نیز به نوبه خود اعتماد فرزندان را به والدین، به عنوان مراقب اصلی کاهش می‌دهد (سافیتی و سوپراتمن، ۲۰۲۲)؛ و این کاهش اعتماد، زمینه‌ساز روابط پرمشکل آینده فرزندان خواهد شد. فرزندی که احساس می‌کند والدینشان با آن‌ها ناعادلانه رفتار می‌کنند، بیشتر احتمال دارد که احساس حقانیت مخربی را در پیش گرفته و به دنبال جبران این نیاز از طریق نادیده گرفتن دیگران برآیند (آپوستلو و دموستنوس، ۲۰۲۱) و بدین ترتیب، روابط بین فردی آنان در آینده نیز تحت تأثیر قرار خواهد گرفت.

از این رو، تأثیر روابط فرازنشویی والدین و تعارضات ناشی از آن می‌تواند برای مدت طولانی ادامه داشته و زندگی فرزندان را تا زمان بزرگ شدن تحت تأثیر قرار دهد؛ ممانعت از رشد عاطفی سالم (ماتوندانگ، ۲۰۱۴)، تغییر نگرش نسبت به عشق، رابطه عاشقانه و کاهش توانایی اعتماد به شریک عاطفی (نوگالس و بلوتی، ۲۰۰۹)، احساس گرفتار شدن بین والدین (ترسون، ۲۰۱۵)، فرار از خانه پدری و دچار شدن به آسیب‌های ناشی از آن و احتمال بالای درگیر شدن در روابط فرازنشویی بعد از ازدواج (عزیز، ۲۰۱۵)، بخشی از تأثیرات نامطلوب این روابط بر فرزندان هستند. به نظر می‌رسد شیوه مواجهه فرزندان با روابط فرازنشویی والدین در سایه فرهنگ، ادراک معنایی که به تعارضات و روابط فرازنشویی والدین‌شان می‌دهند و تأثیرات بافت فرهنگی بر این روابط نیز در چگونگی و کیفیت تجربه فرزندان از روابط فرازنشویی والدین موثر هستند. نکته قابل توجه در این زمینه آن است که پژوهش‌های مختلف انجام شده در حوزه روابط فرازنشویی، هر یک از جنبه‌ای خاص به این روابط نگریسته‌اند و خلأ پژوهشی جامع در این زمینه که تجربه افراد آسیب‌دیده از این روابط، از جمله فرزندان را بررسی کرده باشد احساس می‌شود. مرور پژوهش‌های داخلی مرتبط در این زمینه نشان می‌دهد بیشتر مطالعات بر تجربیات همسران متمرکز بوده و در مورد تأثیر روابط فرازنشویی بر سایر اعضای خانواده، از جمله فرزندان کنکاش کمتری صورت گرفته است، معدود پژوهش‌های خارجی انجام شده بر روی فرزندان نیز، به دلیل تفاوت‌های فرهنگی موجود در جامعه ایران با سایر جوامع، چندان قابل تعمیم به نظر نمی‌رسند. از این رو

پژوهش حاضر در تلاش است با واکاوی تجربه زیسته فرزندان از روابط فرازناشویی والدین به این سؤال پاسخ دهد که چنین تجربه‌ای در دنیای پدیدارشناسانه فرزندان چگونه است؟

روش

پژوهش حاضر، پژوهشی کیفی و از نوع پدیدارشناسی بود. پدیدارشناسی، یک فلسفه و روش علمی است که برای کشف تجربیات زیسته یک فرد استفاده می‌شود و بر جزئیات یک رویداد یا تجربه تمرکز دارد (برادشاو و همکاران، ۲۰۱۷). از این رو این روش به منظور بررسی تجربه فرزندان از روابط فرازناشویی والدین، مناسب تشخیص داده شد.

جامعه آماری، کلیه فرزندان ۱۸-۲۲ ساله‌ای بودند که یکی از والدین‌شان سابقه رابطه فرازناشویی داشته است. برای نمونه‌گیری از روش هدفمند و گلوله‌برفی استفاده شد. بدین طریق ۱۰ فرزند انتخاب شدند. معیارهای ورود به پژوهش عبارت بودند از اینکه فرزندان مجرد باشند، ساکن منزل والدین باشند، یکی از والدین آن‌ها سابقه روابط فرازناشویی داشته باشد، توانایی بیان تجربیات خود را داشته باشند و با رضایت شخصی در پژوهش شرکت کنند. لازم به ذکر است شرکت‌کنندگانی که در خانواده آن‌ها هر دو والد روابط فرازناشویی داشتند از پژوهش حذف شدند چرا که در این صورت احتمالاً کارکرد خانواده به شدت بهم ریخته است و فرزندان تحت تأثیر آسیب‌های بسیار شدیدی قرار دارند. بدین ترتیب این شرکت‌کنندگان لزوماً نمونه معرفی از موضوع پژوهش نخواهند بود. بنابراین جهت پرداختن عمیق‌تر به روابط فرازناشویی والدین از منظر فرزندان، تنها وجود روابط فرازناشویی در یک والد، مورد بررسی قرار گرفت. همچنین فرزندان بالای ۱۸ سال مورد مطالعه قرار گرفتند تا از جهت قانونی اجازه شرکت در پژوهش را داشته باشند و نیازی به اجازه قییم نباشد. اطلاعات جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان در جدول ۱ گزارش شده است. شایان ذکر است برای حفظ حریم خصوصی شرکت‌کنندگان، با اطلاع و انتخاب خودشان، برای هر شرکت‌کننده یک نام مستعار در نظر گرفته شده است.

جدول ۱. اطلاعات جمعیت شناختی شرکت کنندگان

نام مستعار	استان محل سکونت	سن	سن هنگام تحصیل / اشتغال	وضعیت والد	مدت ازدواج والدین	وضعیت فعلی ازدواج والدین	تعداد فرزندان	شغل و تحصیلات پدر	شغل و تحصیلات مادر
مریم	تهران	۲۱/۵ سال	دوره نوجوانی	دانشجو	۳۲ سال	در رابطه ازدواج	۳ دختر ۱ پسر	دکتری - کارمند	دیپلم - خانه دار
امین	مرکزی	۲۲ سال	دوره نوجوانی	اخراج از دانشگاه / فاقد شغل	۲۹ سال	طلاق گرفته	۲ پسر	دیپلم - آزاد	دیپلم - آزاد
فاطمه	البرز	۲۲ سال	دوره نوجوانی	کارشناسی / شاغل	۲۵ سال	در رابطه ازدواج	۲ دختر	سطح ۲ حوزه - روحانی	کارشناسی - آموزگار
حدیثه	تهران	۱۸ سال	اوایل دوره نوجوانی	دیپلم (پشت کنکوری)	۲۲ سال	در رابطه ازدواج	۲ دختر	دانشجو - دکتری - نامعلوم	کارشناسی - خانه دار
سارا	قزوین	۲۲ سال	دوره نوجوانی	کارشناسی / شاغل	۳۸ سال	در رابطه ازدواج	۳ دختر ۱ پسر	دیپلم - کارمند	دیپلم - آزاد
محیا	تهران	۲۰ سال	دوره نوجوانی	دانشجو	۳۰ سال	در رابطه ازدواج	۴ دختر	دیپلم - آزاد	دیپلم - خانه دار
گل یانو	خراسان	۲۲ سال	دوره نوجوانی	دانشجو	۲۶ سال	در رابطه ازدواج	۲ دختر	دکتری - معلم	کارشناسی - ارشد معلم
سمانه	اصفهان	۲۰ سال	دوره نوجوانی	دانشجو	۳۰ سال	در رابطه ازدواج	۲ دختر ۱ پسر	کارشناسی - معلم	کارشناسی - معلم
میلاد	گلستان	۲۲ سال	دوره نوجوانی	دانشجو	۲۷ سال	در رابطه ازدواج	۱ دختر ۱ پسر	دیپلم - آزاد	فوق دیپلم - خانه دار
محمد	تهران	۲۲ سال	اواخر دوره نوجوانی	دانشجو	۳۴ سال	در رابطه ازدواج	۱ پسر	دکتری - پزشک	دکتری - پزشک

در گام ابتدایی پژوهش، فراخوانی مبنی بر شرکت در پژوهشی روانشناختی تحت نظارت دانشگاه شهید بهشتی طراحی شده و در شبکه‌های اجتماعی تلگرام، واتساپ و اینستاگرام منتشر شد. بدین ترتیب از فرزندان در بازه سنی مورد نظر دعوت شد در صورتی که یکی از والدین آن‌ها سابقه روابط فرزندناشویی داشته است، و در صورت تمایل به انجام یک مصاحبه تلفنی در این خصوص، در پژوهش شرکت نمایند. با توجه به شیوع ویروس کرونا در زمان اجرای پژوهش، مصاحبه‌ها به شکل تلفنی انجام شدند. به علاوه به منظور پنهان ماندن هرچه بیشتر هویت شرکت کنندگان و امکان بیان هرچه بهتر تجربه‌شان، از نرم افزارهای تماس تصویری استفاده نشد.

منظور از روابط فرازناشویی در پژوهش حاضر، هرگونه ارتباط جسمی، جنسی یا عاطفی معنادار هر یک از والدین با فردی غیر از همسر بود، مشروط بر اینکه هر دو والد و فرزند شرکت‌کننده در پژوهش، از این ارتباط آگاه باشند و آن را خیانت بدانند. این معنا در اولین تماس تلفنی برای فرزند توضیح داده شد تا اطمینان حاصل شود که شرکت‌کنندگان، از همان تجربه‌ای برخوردار هستند که مورد نظر پژوهشگران است. بدین ترتیب، بعد از مصاحبه با ۱۰ فرزند، داده‌ها به اشباع رسید. به منظور جمع‌آوری داده‌ها از ابزارهای زیر استفاده شد:

(۱) پرسشنامه ویژگی‌های جمعیت‌شناختی: این پرسشنامه حاوی اطلاعاتی از قبیل سن، دوره تحولی هنگام افشای رابطه فرازناشویی والدین، وضعیت تحصیل/ اشتغال، والد پیمان‌شکن، مدت ازدواج والدین، وضعیت فعلی ازدواج والدین، تعداد فرزندان، شغل و تحصیلات پدر، شغل و تحصیلات مادر و استان محل سکونت بود.

(۲) مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته: در پژوهش حاضر با فرزندان که والدین‌شان سابقه رابطه فرازناشویی داشته‌اند، مصاحبه به عمل آمد. سوالات مصاحبه با توجه به هدف پژوهش و در راستای شناسایی تجربه این گروه از فرزندان مطرح گردید. در ابتدای مصاحبه، جلب رضایت آگاهانه شرکت‌کنندگان و دادن اطلاعات لازم به آن‌ها انجام گرفت و پس از جمع‌آوری اطلاعات جمعیت‌شناختی، سوالات مصاحبه به شکل نیمه ساختاریافته مطرح گردید. در این شیوه هنگامی که پاسخ‌ها به حالتی از تکرار و اشباع برسد، تعداد آزمودنی‌ها به حد نصاب رسیده است که در این پژوهش با ۱۰ فرزند انجام شد. میانگین زمان مصاحبه‌ها ۷۵ دقیقه بود.

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش پدیدارشناسی تفسیری اسمیت و اوسبورن (۲۰۱۵) استفاده شد. ابتدا مصاحبه‌ها با اطلاع و اجازه مصاحبه‌شوندگان ضبط و سپس کلمه به کلمه پیاده‌سازی شد. متن مصاحبه‌ها چندین مرتبه مطالعه شد تا از طریق مطالعه مکرر، امکان دستیابی به معنای کلی و عمیق هر مصاحبه حاصل شود. سپس به منظور استخراج عبارات معنادار، تمام عباراتی که مرتبط با تجربه روابط فرازناشویی در والدین بودند مشخص شدند. این عبارات همان واحدهای معنایی یا کدها هستند. کدهای به دست آمده با استفاده از میزان همگرایی و واگرایی که نسبت به یکدیگر داشتند در قالب زیر مضمون‌ها طبقه‌بندی شدند. زیرمضمون‌هایی که ارتباط درونی بیشتری با یکدیگر داشتند در یک مضمون قرار گرفتند. مضامین اصلی چندین بار مورد بازبینی قرار گرفتند و موارد زائد یا اشتباه، حذف و اصلاح شدند. در نهایت به منظور اعتبارسنجی یافته‌ها از شرکت‌کنندگان درخواست شد یافته‌های حاصل را با تجربه خود مقایسه کنند تا اطمینان حاصل شود که پژوهشگران به درستی متوجه تجارب شده باشند. چهار نفر از شرکت‌کنندگان مجدداً حاضر به همکاری شدند و یافته‌ها مورد تأیید آنان قرار

گرفت.

پایایی و روایی

در پژوهش‌های کیفی برای سنجش روایی و پایایی از ملاک موثق بودن استفاده می‌شود (کرفتینگ، ۲۰۱۴). این ملاک‌ها نیز در پژوهش حاضر مورد توجه قرار گرفته‌اند. الف) به منظور معتبر بودن ابزار که معادل روایی درونی است، از روش تحقیق استفاده شد. از سؤالات تکراری نیز برای روشن‌تر شدن سؤالات و جزئیات مربوطه، همچنین برای رفع کج‌فهمی پژوهشگر از صحبت‌های شرکت‌کنندگان و آشکار شدن تناقض‌های احتمالی استفاده شد. ب) به منظور فراهم شدن زمینه انتقال‌پذیری که معادل روایی بیرونی است، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان، سؤالات مطرح شده، زمان و جزئیات مصاحبه و روش تحلیل داده‌ها شرح داده شدند. ج) اطمینان‌پذیری که معادل پایایی در پژوهش‌های کیفی است با تشریح کامل مراحل تحقیق، انجام گرفت تا پژوهشگران در آینده بتوانند آن را تکرار کنند. د) قابلیت تصدیق در پژوهش حاضر به کمک مشورت با اساتید و دانشجویان آشنا به روش کیفی درباره کدگذاری‌ها و تحلیل داده‌ها انجام گرفت.

یافته‌ها

در این مطالعه، ۶ مضمون اصلی شامل مواجهه فرزند با روابط فرزندناشویی، تعبیر فرزند از روابط فرزندناشویی، تغییرات ایجاد شده برای فرزند در خانواده، آسیب‌های فردی وارد شده به فرزند، آسیب‌های بین فردی وارد شده به فرزند و رشد پس از ضربه روابط فرزندناشویی والدین استخراج شد و جوهره مشترک تجربه فرزندان، "آرزوی ترمیم خانواده و بازگشت به شرایط پیش از وقوع رابطه فرزندناشویی در عین آگاهی به عدم امکان‌پذیری آن" به دست آمد.

۱) **مواجهه فرزند با روابط فرزندناشویی:** این مضمون در قالب ۴ مضمون فرعی: شوک مطلع شدن از رابطه فرزندناشویی، مواجهه با یکی از والدین به عنوان والدی پیمان شکن، مواجهه با یکی والدین به عنوان والدی آسیب‌دیده و مواجهه با فرد سوم دسته‌بندی شد.

۱-۱- شوک مطلع شدن از رابطه فرزندناشویی: این مضمون فرعی، به راه‌های مختلفی که فرزندان از رابطه فرزندناشویی مطلع شده بودند اشاره داشت؛ مفاهیمی از قبیل کشف شخصی فرزند، مطلع شدن از جانب والد آسیب‌دیده، مطلع شدن از جانب سایر اعضای خانواده، مانند خواهر/برادرها، و مطلع شدن از جانب اطرافیان از جمله این راه‌ها بودند. به طور مثال، فاطمه بیان

کرد: "مامانم می‌خواست به گوشی بابام یه سری تصاویر بفرسته، من گوشی بابام رو باز کردم، اونجا دیدم که با یک نفری از همه بیشتر چت کرده، باز کردم ببینم اون نفر کیه، و این رابطه پنهانی پدرم رو من از اونجا فهمیدم، یخ کردم".

۱-۲- مواجهه با یکی از والدین به عنوان والدی پیمان‌شکن: مواجهه شدن با یکی از والدین به عنوان والدی که به سمت روابط فرازناشویی رفته است، برای فرزندان، با احساسات ناخوشایند و دیدگاه منفی پیدا کردن نسبت به آن والد همراه بوده است. تنفر از والد پیمان‌شکن، تعارضات شدید با والد پیمان‌شکن، خشم نسبت به والد پیمان‌شکن و بروز آن به اشکال مختلف و در موقعیت‌های متفاوت، دوری‌گزینی از والد پیمان‌شکن، جدایی عاطفی از والد پیمان‌شکن و از دست رفتن جایگاه قدرت والدگری والد پیمان‌شکن، از جمله این تجربیات ناخوشایند بودند. به طور مثال حدیثه گفت: "مواجه شدن با یک آدمی که قراره انقدر راحت تعهدش رو از دست بده و بره با یکی دیگه باشه، خیلی سخت بود. بخاطر اینکه آدم متنفر می‌شه اصلاً نمی‌شناسدش که این پدرشه، کاملاً ازش دور میشه و می‌گه این چه آدمیه دیگه".

۱-۳- مواجهه با یکی از والدین به عنوان والدی آسیب‌دیده: در مقابل موارد ذکر شده برای رویارویی با والد پیمان‌شکن، مواجهه شدن با والد آسیب‌دیده برای تقریباً تمام شرکت‌کنندگان با درد و رنج، دلسوزی و غصه خوردن برای این والد همراه بود. احساس درد مشترک با والد آسیب‌دیده، احساس دین به والد آسیب‌دیده به دلیل ادامه زندگی با والد پیمان‌شکن، جانبداری افراطی از والد آسیب‌دیده، ترحم‌ورزی به والد آسیب‌دیده و تلاش برای جبران آسیب وارد شده به والد آسیب‌دیده از جمله مفاهیم مرتبط در این زمینه بودند. به طور مثال سمانه گفت: "دلم می‌خواست به بابام دلداری بدم و بهش بگم عیب نداره اگه اینجوری شد و مامان رفت با یکی دیگه. تو چیزیه کم نداشتی بودی، مشکل از مامان بوده. دلم می‌خواست هر کاری که مامانم کرده رو جبران کنم".

۱-۴- مواجهه با فرد سوم: به نظر می‌رسد رویارویی فرزندان با فرد سوم، در مواردی که او شناخته شده بوده، از طریق چک کردن مداوم او و تنفر و حسادت نسبت به او، و در مواردی که فردی ناشناخته بوده است، از طریق فکر کردن افراطی به ویژگی‌های شخصیتی و ظاهری‌اش اتفاق افتاده است. به علاوه مفاهیمی از قبیل حسادت بابت صرف منابع مالی برای فرد سوم و ورود فرد سوم به محتوای خواب فرزند نیز در تجربه شرکت‌کنندگان مشاهده شد. مریم گفت: "تصمیم دارم نذارم پسره اون خانومه حق منو بخوره، خب این پول حق خانواده ماست که از اول بودیم، نه اون خانومه و پسرش که با بی‌شرمی اومدن توی زندگی ما".

۲) تعبیر فرزند از روابط فرازناشویی والدین: شرکت کنندگان روابط فرازناشویی والدین را به عنوان عاملی برای شرمساری و انحلال خانواده تعبیر می کردند، به علاوه قادر بودند تفاوت‌های جنسیتی در روابط فرازناشویی پدر و مادر، عوامل ایجادکننده روابط فرازناشویی و عوامل نگهدارنده این روابط را تشخیص دهند.

۱-۲- عاملی برای شرمساری: تقریباً تمام شرکت کنندگان، از روابط فرازناشویی والدین شان احساس شرمندگی داشته و این روابط را از اطرافیان خود مخفی کرده بودند. در مواردی که اطرافیان از چنین روابطی آگاه شده بودند، فرزندان احساساتی از قبیل شرمندگی مضاعف و مورد ترحم واقع شدن را گزارش کرده، یا از حضور در بین افراد مطلع، اجتناب ورزیده بودند. مخفی کردن از دوستان و اقوام، اجتناب از حضور در جمع‌های خانوادگی برای فرار از صحبت پیرامون روابط فرازناشویی والدین، احساس مورد ترحم واقع شدن از سوی اطرافیان، احساس سرافکندگی از روابط فرازناشویی والدین و تصمیم به مخفی کردن از همسر آینده، مفاهیم مرتبط با شرمساری فرزندان بودند. سارا گفت: "این اتفاقی که افتاده، نقطه تاریک زندگی منه که هیچ کس نباید بدون، پشت پرده‌های من، نمی‌خواهم دوستانم و همکلاسی‌هایم و فامیل‌هامون بدونند."

۲-۲- عاملی برای انحلال خانواده: از دیدگاه فرزندان، وقوع روابط فرازناشویی برای یکی از والدین و مطرح شدن این مسئله در خانواده، عامل اصلی برهم ریختن خانواده و انحلال آن بوده است. مشاهده مشاجرات شدید بین والدین بعد از آشکار شدن خیانت، ناامیدی از بهبود رابطه والدین، فکر کردن به طلاق به عنوان راهی برای پایان مشاجرات والدین، احساس بی‌اعتمادی به والد پیمان شکن و ادراک مخدوش شدن حریم‌ها در خانواده از جمله مفاهیم گویای این انحلال بودند. محمد این چنین مثال زد: "از به جایی به بعد فهمیدم این رابطه درست‌شدنی نیست. به بارم توی یه سایتی خوندم خیانت مثل قطره وایتکس که رنگ لباس رو می‌بره، زندگی زناشویی رو از بین می‌بره، این به نظرم خیلی درست بود."

۲-۳- تشخیص تفاوت‌های جنسیتی در روابط فرازناشویی پدر و مادر: فرزندان به خوبی متوجه تفاوت‌های جنسیتی در روابط فرازناشویی پدر و مادر بودند و در این زمینه نگرانی‌هایی ابراز کردند. به ویژه پسران برای روابط فرازناشویی مادر نگرانی قابل توجهی داشتند. ترس از عواقب قانونی رابطه فرازناشویی مادر، ادراک جایگاه پایین‌تر زنان در زمان بروز رابطه فرازناشویی و ادراک تفاوت تأثیرات روابط فرازناشویی پدر و مادر در خانواده از جمله مفاهیم مرتبط بودند. امین در این باره گفت: "یادمه من فیلم سنگسار تریا رو دیده بودم و این اتفاق رو به فاجعه می‌دونستم و سعی می‌کردم فقط ترکش هاشو کمتر کنم. با این حال که می‌دونستم مادرم مقصره، سعی می‌کردم که طرف مادرم رو بگیرم که پدرم احساس نکنه حق داره هر کاری بکنه. پدرم حداقل

حق و حقوق قانونی بیشتری داشت و خیلی می‌تونست از این اتفاق سوءاستفاده کنه. من از این خیلی ترسیدم."

۲-۴- تشخیص عوامل ایجادکننده روابط فرزندناشویی: به نظر می‌رسد فرزندان بزرگسال به خوبی قادر هستند دلایل بروز چنین روابطی را تشخیص دهند، متوجه باشند که هر دو والدشان در وقوع روابط فرزندناشویی نقش داشته‌اند، یا اشتباهاتی زیربنایی در زندگی‌شان وجود داشته و والد پیمان‌شکن، تعهدش را به خانواده نقض کرده است. حدیثه گفت: "همیشه گفت بیشتر بابام نقش داشته یا مامانم. ولی خب ۴۹/۵۱ درصد هست. اون کسی که نتونست تمایل خودشو کنترل بکنه اون درصد بالاتری خطا کرده. ولی قطعاً هر دوتاشون نقش داشتن."

۲-۵- تشخیص عوامل نگهدارنده روابط فرزندناشویی: از دیدگاه فرزندان، عواملی نیز وجود داشته که باعث ادامه روابط فرزندناشویی آن شده است. عواملی که بخشی از آن‌ها متوجه والد آسیب‌دیده بوده مانند سرپوش گذاشتن و تلاش برای حفظ یک زندگی عادی و برخی دیگر متوجه والد پیمان‌شکن؛ مانند سوءاستفاده او از شرایط خانواده برای ادامه روابطش. میلاد در این زمینه گفت: "وضعیت خونه طوری بود که انگار مامانم دل‌سرد شده و هیچ‌کس کاری به کار بابام نداشت، بابام هم راحت‌تر می‌تونست هر کاری می‌خواست انجام بده برای خودش."

۳) تغییرات ایجاد شده برای فرزند در خانواده در پی روابط فرزندناشویی والدین: حضور فرزند در سیستم خانواده، باعث شده بود تغییرات زیرسیستم زوجی والدین، او را نیز تحت تأثیر قرار دهد. بخشی از این تأثیرات مربوط به رابطه او با والدینش، بخشی مربوط به ارتباط او با خواهر/برادرها و بخشی مربوط به ارتباط با اقوام است و نهایتاً اینکه از دیدگاه فرزندان، روابط فرزندناشویی والدین، کانون خانواده را مورد هدف قرار داده و به آن آسیب وارد کرده است.

۳-۱- تخریب رابطه والد-فرزندی: اولین تغییر، تخریب رابطه والد-فرزندی با هر والد بوده است. پنهان کردن خود واقعی در برابر والدین، تصمیم برای ترک و طرد والدین، درهم شکستن تصویر والدینی مطلوب، احساس عدم تعلق به خانه پدری و مقصر دانسته شدن فرزند در بروز رابطه فرزندناشویی توسط والد آسیب‌دیده از جمله این تغییرات بودند. سارا گفت: "عشق کودکی من تا ۵-۶ سالگی، بابام بود. بعد از این قضیه، دوسش داشتم ها ولی خب اون فضایی که قبلاً سیفته‌اش بودم، نبود دیگه. انگار با یک آدم دیگه طرف بودم. مثل یک آدم هوسباز."

۳-۲- ارتباط خواهر/برادرها: به نظر می‌رسد در برخی موارد حضور خواهر/برادرها جنبه مثبتی داشته و به سازگاری فرزندان با چنین اتفاقی کمک کرده، و در برخی موارد باعث بروز نگرانی‌هایی شده است. همدلی با خواهر/برادرهای مطلع از پیمان‌شکنی، پنهان کردن اطلاعات از فرزندان کوچکتر خانواده، تأثیر مثبت خواهر/برادرهای مطلع از پیمان‌شکنی در تحمل فشار روانی و نگرانی

برای تأثیرات بین نسلی خیانت والدین در زندگی خواهر/برادرهای متاهل از جمله مفاهیم مرتبط بودند. محیا گفت: "وقتی که فهمیده بودیم، می‌دونستیم تنها نیستیم و یک نفره درد و رنج رو تحمل نمی‌کردیم. مثلاً اگر می‌خواستیم گریه کنیم، تنها نبودم، تو بغل خواهرم گریه می‌کردم."

۳-۳- ارتباط با اقوام: همان‌طور که اکثر درمان‌ها معتقدند مطلع شدن اقوام و مداخله آن‌ها در روابط فرازناشویی، پیامدهای منفی برای بهبود ارتباط همسران در پی دارد، شرکت‌کنندگان پژوهش حاضر نیز غالباً تأثیراتی منفی در این خصوص گزارش کردند. مداخله اقوام برای قطع ارتباط با فرد سوم، تجربه قطع ارتباط با اقوام در پی مشاجرات ایجاد شده با آن‌ها، تسهیل ارتباط با فرد سوم توسط برخی از اقوام و جانب‌داری اقوام هر یک از والدین از همان والد، از جمله مواردی بود که در مصاحبه‌ها مطرح شدند. گل‌بانو گفت: "اقوام مامانم، مامانم رو تیره کردن و از بابام بد گفتن! اقوام پدریم هم برعکس خانواده مامانم، و این من رو بیشتر ناراحت می‌کرد."

۴-۳- آسیب به کانون خانواده: این مضمون فرعی، کاملاً بر کانون خانواده و آسیب‌های وارده به آن متمرکز بود. فرزندان به سرمایه‌گذاری عاطفی نابرابر در بین اعضای خانواده، جدا کردن متعلقات زندگی زناشویی بعد از آشکار شدن روابط فرازناشویی، از بین رفتن قبح چنین روابطی در خانواده و مشاجرات شدید والدین با یکدیگر و با فرزندان اشاره کردند. محمد گفت: "مامان و بابا اول اتاقتشون رو جدا کردن، بعد کسی به وسایل اون یکی دست نمی‌زد، بعد بابام نداشت مامان از ماشینش استفاده کنه، یعنی دیگه اشتراکی بینشون نبود."

۴) آسیب‌های فردی وارده شده به فرزند در پی روابط فرازناشویی والدین: با بررسی

مصاحبه‌ها به نظر می‌رسد آسیب‌های وارد شده به فرزندان در دو دسته فردی و بین فردی می‌گنجد. آسیب‌های فردی، آسیب‌هایی هستند که فرزند به تنهایی آن‌ها را تجربه کرده و به روابط او مربوط نمی‌شوند، در مقابل آسیب‌های بین فردی، آسیب‌هایی هستند که بر روی ارتباط فرزند با دنیای خارج از خودش، تأثیرات منفی داشته است. احساس فشار روانی فراتر از حد تحمل، اضطراب فراگیر، بیماری‌های سایکوسوماتیک و افکار خودکشی از جمله آسیب‌های فردی تجربه شده بودند.

۴-۱- احساس فشار روانی فراتر از حد تحمل: به نظر می‌رسد تفاوت زیادی میان فشار روانی ناشی از روابط فرازناشویی والدین با فشارهای تجربه‌شده قبلی فرزندان وجود داشته است. افسردگی، احساس تنهایی و بی‌پناهی، احساس ناامنی در دنیا و مصرف داروهای روانپزشکی از جمله موارد مطرح شده بود. فاطمه گفت: "وقتی پدر آدم می‌تونه یه همچین کاری انجام بده، و خودخواهانه تصمیم بگیره و فکر نکنه که می‌تونه به دخترش آسیب بزنه، به همسرش آسیب

بزنه، دیگه خب از بقیه آدم‌ها چه توقعی میشه داشت؟ از کجا معلوم که بقیه همواره در حال همین مدلی آسیب زدن به آدم و خیانت کردن و آزار دادن آدم نباشند."

۴-۲- اضطراب فراگیر: ترس و اضطراب ناشی از آشکار شدن روابط فرازنشویی و عواقب آن یا ترس از طلاق والدین، یکی از مسائل قابل توجهی بود که برای اکثریت شرکت‌کنندگان اتفاق افتاده بود؛ محمد ترس خود را چنین توضیح داد: "خیلی آبروریزی بود اگه کسی می‌فهمید. هم به خاطر این کار شرم‌آوری که بابام کرده بود، هم به خاطر اینکه مامان و بابا نسبتاً شرایط اجتماعی خوبی دارند، اگه کسی می‌فهمید بهمون طعنه می‌زد."

۴-۳- بیماری‌های سایکوسوماتیک: تعدادی از فرزندان، بیماری‌هایی را گزارش کردند که در زمان کشف روابط فرازنشویی والدین یا مدت کوتاهی بعد از آن، به آن‌ها مبتلا شده‌اند. با عمیق شدن در مصاحبه‌ها، به نظر می‌رسد چنین بیماری‌هایی منشاء روانشناختی داشته باشند. بیماری‌های پوستی، خارش شدید منجر به خونریزی و مشکلات قلبی از جمله این بیماری‌ها بودند. امین گفت: "اون زمان مشکلات پوستم زیاده‌تر شد. کپهر می‌زد، پوسته‌پوسته می‌شد، سریع به هر جایی می‌خوردم زخمی می‌شدم، متخصص پوست رفتم ولی خیلی جواب نداد."

۴-۴- افکار خودکشی: تعداد قابل توجهی از شرکت‌کنندگان، سابقه افکار خودکشی را گزارش کردند. مصرف دارو یا سیانور از جمله ابزارهایی بود که آن‌ها برای آسیب به خود در نظر گرفته بودند. در هیچ‌یک شرکت‌کنندگان در زمان مصاحبه، قصد آسیب به خود مشاهده نشد، بلکه سابقه افکار خودکشی مربوط به اوایل کشف روابط فرازنشویی والدین بود. گل‌بانو گفت: "اون موقع‌ها که مامانم رفته بود، می‌خواستم خودمو بکشم. می‌تونستم سیانور پیدا کنم. الان فعلاً این برنامه رو ندارم و می‌خوام زندگی خودمو اونطور که دوست دارم بسازم."

۵) آسیب‌های بین‌فردی وارد شده به فرزند در پی روابط فرازنشویی والدین: مشاهده بی‌وفایی و عدم تعهد یکی از والدین نسبت به خانواده و والد دیگر، باعث شده بود فرزندان نیز تحت تأثیر قرار بگیرند و در ارتباطات خود با اطرافیان، برای اعتماد، وفادار ماندن به روابط ازدواجشان دشواری‌هایی داشته باشند. همچنین در زمینه تحصیلی و شغلی نیز آسیب‌هایی متوجه آنان شده بود.

۵-۱- دشواری در اعتماد کردن: با توجه به ضربه عمیق وارد شده به فرزند، اغلب شرکت‌کنندگان اذعان داشتند که پس از این اتفاق، اعتماد کردن به دیگران برای آنان دشوار شده است، همواره احساس می‌کنند ممکن است مورد آسیب دیگران قرار بگیرند، رفتارهای والد پیمان‌شکن را به افراد هم‌جنس او تعمیم افراطی می‌دهند، به طور کلی به مردان بی‌اعتماد هستند و در دوستیابی نیز محتاطانه عمل می‌کنند. فاطمه گفت: "آسیبی که به ما وارد شده مشخصه

که انگار یه نفر از پشت به ما خنجر زده. انگار هر لحظه ممکنه این رفتار به شکل‌های دیگه از آدم‌های دیگه سر بزنه و ما هیچ دفاعی نداریم از خودمون در این شرایط."

۲-۵- دشواری در وفادار ماندن به روابط بین‌فردی: روابط دوستانه محدود یا کوتاه‌مدت، اجتناب از صمیمی شدن و شیوه برقراری ارتباط با دوستان جنس مخالف مشابه شیوه ارتباطی والدین با یکدیگر، از جمله مفاهیم مرتبط در این زمینه بودند. محیا بیان کرد: "من کلاً نمیتونم خیلی دوستی‌هام رو نگه دارم. حتی با همون دخترش. ولی کلاً من اگه با یک دختری دوست بشم ممکنه طولانی‌تر بشه مدت دوستیمون تا زمانی که بخوام با یه آقای به عنوان دوست پسرم ارتباط بگیرم."

۳-۵- مسائل مربوط به ازدواج: تغییر دیدگاه ایجاد شده نسبت به ازدواج، برای فرزندان در یک طیف قرار داشت. اهمیت افراطی به تعهد در ازدواج آتی، تحریف معنای ازدواج، تصمیم به مجرد قطعی، تلقی ازدواج به عنوان رنج بسیار و احتمال بالا قائل شدن برای مورد خیانت واقع شدن خود در ازدواج آتی، مفاهیم مرتبط در این زمینه بودند. امین گفت: "راجع به ازدواج خودم، با احتمال خیلی زیاد با این پیش‌فرض میرم جلو که اون آدم هم ممکنه خیانت کنه، این احتمال رو خیلی بالا می‌بینم. خیلی هم ترسناک می‌بینمش."

۴-۵- مسائل تحصیلی و شغلی: کاهش تمرکز مطالعه و به دنبال آن افت تحصیلی، یکی از این آسیب‌های مرتبط در این زمینه بود. در نقطه مقابل، برخی از شرکت‌کنندگان گزارش کردند به مطالعه افراطی دروس پرداخته‌اند که به نظر می‌رسد نوعی جبران افراطی باشد. به علاوه در زمینه شغلی نیز مانند دوستیابی، برای برقراری ارتباط با همکاران دشواری‌هایی داشتند. گل‌بانو چنین توضیح داد: "درس همیشه خوب بود. سال پیش دانشگاهی کم آوردم و بریدم، دیگه نتونستم درس بخونم و معدل من از ۱۹/۶۰ شد ۱۵. انگشت‌نمای دبیرها شدم که این دختر چقدر افت کرده!"

۶) رشد پس از ضربه روابط فرازنشویی والدین: به نظر می‌رسد پس از وارد آمدن ضربه روابط فرازنشویی والدین به فرزندان، برخی از آن‌ها، موفق شده‌اند این آسیب را پشت سر بگذارند و پس از آن رشدی را تجربه کنند. این رشد در دو جنبه تصمیم برای رشد فردی و ادراک اهمیت خانواده و تعهد به آن قرار گرفت.

۶-۱- تصمیم برای رشد فردی: به نظر می‌رسد این چنین تصمیمی برای فرزندان ناشی از عبرت گرفتن آن‌ها از زندگی والدین باشد. به ویژه دخترانی که روابط فرازنشویی پدر و جایگاه پایین‌تر مادر را تجربه کرده بودند، تصمیمات جدی‌تری در این زمینه داشتند. تلاش برای اتخاذ شغل قبل از ازدواج و عدم وابستگی مالی به همسر آینده و تصمیم به ارتقای شرایط اجتماعی از

جمله این جنبه‌های رشد فردی بودند. میلاد در این باره بیان کرد: "اگر همه پسرها تلاش می‌کنند یه شرایط خوبی برای خودشون فراهم کنند و بعد ازدواج کنند، من با این مشکل مادر و پدرم، باید دو برابر تلاش کنم، باید شغل آبرومندی برای خودم پیدا کنم و از خانواده و این شرایط بد خونه جدا بشم."

۶-۲- ادراک اهمیت خانواده و تعهد به آن: دومین جنبه‌ای که فرزندان از تأثیرات مخرب روابط فرزندناشویی والدین آموخته بودند، اهمیت خانواده و تعهد به آن بود. واقف بودن نسبت به پیامدهای مخرب رابطه فرزندناشویی برای خانواده، مبرا دانستن خود از خیانت به همسر آینده و تلاش برای توجه تمام و کمال به همسر و خانواده آینده از جمله مصادیق مرتبط بودند. محمد این‌گونه توضیح داد: "یک ضرب‌المثلی هست که میگه ادب از که آموختی؟ از بی‌ادبان! خیلی درسته. یعنی من با دیدن کارهای پدرم و فشاری که به ما آورد، قصد دارم کاملاً خودم رو صرف خانواده کنم تا اون‌ها هیچ‌وقت رنج من رو تجربه نکنند."

بدین ترتیب می‌توان گفت فرزندان در مواجهه با روابط فرزندناشویی والدین، ابتدا نوعی شوکه شدن را تجربه می‌کنند و دید متفاوتی نسبت به والد پیمان‌شکن و والد آسیب‌دیده پیدا کرده و گمانه‌زنی‌های در خصوص فرد سوم دارند، در ادامه تعبیر و تفسیرهایی از روابط فرزندناشویی والدین برای خود شکل می‌دهند و تغییراتی را نیز در خانواده‌هایشان احساس می‌کنند. در جریان روابط فرزندناشویی والدین آسیب‌هایی فردی و بین‌فردی متوجه فرزندان می‌شود و برخی از آنان موفق می‌شوند از دل این آسیب‌ها برای خودشان رشدی را رقم بزنند.

غرق شدن در مصاحبه‌ها و معانی عمیق آن‌ها نشان داد جوهره مشترک تجربه فرزندان از روابط فرزندناشویی والدین، "آرزوی ترمیم خانواده و بازگشت به شرایط قبل از وقوع روابط فرزندناشویی، در عین آگاهی به عدم امکان‌پذیری آن" است. بدین صورت که فرزندان قبل از اطلاع از چنین روابطی، شرایط زندگی خانواده را پذیرفته و عادی می‌دانسته‌اند، ولی بعد از مطلع شدن و به دنبال همه مشکلاتی که در پی آن ایجاد شده، متوجه شده‌اند ترمیم خانواده و حذف تأثیرات رابطه فرزندناشویی بسیار دشوار یا تقریباً غیرممکن است، در عین حال، آرزو می‌کنند خانواده ترمیم شود.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر شناسایی عمیق تجارب زیسته فرزندان بود که یکی از والدین‌شان سابقه روابط فرزندناشویی داشته است. از داده‌های پژوهش چنین استنباط می‌شود که فرزندان، از جنبه مواجه شدن با چنین پدیده‌ای، تعبیر روابط فرزندناشویی، تغییرات ایجاد شده برای آنان در خانواده،

آسیب‌های فردی و بین فردی وارد شده و رشد پس از ضربه رابطه فرازنشویی، تحت تأثیر قرار می‌گیرند. جوهره مشترک تجربه فرزندان نیز، آرزوی ترمیم خانواده و بازگشت به شرایط پیش از وقوع رابطه فرازنشویی در عین آگاهی به عدم امکان‌پذیری آن به دست آمد.

اولین مضمون استخراج شده، شوک مطلع شدن از رابطه فرازنشویی بود. در واقع آنچه دیده می‌شود راه‌های مختلف اطلاع از چنین روابطی و دشواری مواجهه با روابط فرازنشویی والدین برای فرزندان است. ترسون (۲۰۱۳) در بخشی از پژوهش خود به پنج روش پی‌بردن به روابط فرازنشویی والدین اشاره می‌کند؛ این روش‌ها عبارتند از: آگاه شدن از طریق یکی از اعضای خانواده به جز والد پیمان‌شکن، آگاه شدن از جانب والد پیمان‌شکن، پی‌بردن لحظه‌ای و صریح، کشف تدریجی و آگاه شدن بواسطه فرد سوم. از میان این ۵ روش، به جز آگاهی بواسطه والد پیمان‌شکن و یا فرد سوم، سایر روش‌ها توسط شرکت‌کنندگان پژوهش حاضر نیز عنوان شدند. بنابراین بخشی از این تجربه میان فرزندان ایرانی پژوهش حاضر و فرزندان آمریکایی شرکت‌کننده در پژوهش ترسون (۲۰۱۳) مشترک هستند، برای شیوه‌هایی که توسط ترسون گزارش شده ولی شرکت‌کنندگان پژوهش حاضر بدان اشاره نکرده‌اند، احتمالاً می‌توان دلایل فرهنگی در نظر گرفت. سانچز (۲۰۱۶) نیز معتقد است پی‌بردن به روابط فرازنشویی برای فرزندان به دو صورت کشف ناگهانی یا کشف تدریجی رخ می‌دهد. پژوهش‌های تاریخی‌تری چون ونجلیست و کولین (۱۹۹۷)، ناهمخوان با نتایج پژوهش حاضر، معتقدند به دلیل ارتباط روابط فرازنشویی با مرزهای موجود در خانواده و ماهیت رازگونه این روابط، در خانواده چندان درباره این روابط بحث نمی‌شود؛ که به نظر می‌رسد امروزه با افزایش شیوع روابط فرازنشویی، یافته‌های آنان کمتر مصداق داشته باشد. به هر ترتیب، اگر در خانواده در مورد آن صحبت شود یا فرزندان از طرق دیگری به وجود این روابط پی‌برند، فرزندان بزرگسال اغلب از وجود چنین روابطی در والدین‌شان آگاه می‌شوند (ترسون، ۲۰۱۳).

این آگاهی و مواجه شدن با والدین به عنوان افرادی که پیمان‌شکنی کرده یا از آن آسیب‌دیده‌اند، برای فرزندان، در بر گیرنده طیفی از عواطف منفی و پرخاشگرانه نسبت به والد پیمان‌شکن و عواطف مثبت و همدلانه نسبت به والد آسیب‌دیده است. سانچز (۲۰۱۶) نیز معتقد است کشف رابطه فرازنشویی مادر برای فرزندان دختر، با خشم، ناامیدی و از بین رفتن احترام نسبت به مادر همراه خواهد بود. باتارا و همکاران (۲۰۱۸) نیز معتقدند هنگام کشف رابطه فرازنشویی، برخی فرزندان با خشم و پرخاشگری نسبت به والد پیمان‌شکن، و برخی دیگر، با خشم نسبت به فرد سوم، به این مسئله پاسخ می‌دهند. به علاوه آن‌ها نیز بر اساس یافته‌های

پژوهش خود معتقدند مشاهده رابطه فرازشوایی والدین باعث می‌شود فرزندان نه تنها برای خود احساس غم و ناراحتی داشته باشند، بلکه به والد آسیب‌دیده‌شان نیز ترحم ورزند.

به دنبال مواجهه با رابطه فرازشوایی والدین، فرزندان هر یک، تعبیر و تعریف خاص خود را از این روابط دارند؛ به نظر می‌رسد جو عاطفی خانواده در نحوه تفسیر فرزندان از تعارضات والدین اثرگذار است (اشمیت، گرین و پروتی، ۲۰۱۶). پرواضح است که رابطه فرازشوایی تا چه میزان می‌تواند جو عاطفی خانواده را به شکلی منفی دگرگون سازد. فرزندان پژوهش حاضر، بابت روابط فرازشوایی والدین‌شان، احساس شرمساری داشتند؛ و چنین روابطی را عامل انحلال خانواده می‌دانستند؛ علت این شرمساری ممکن است تابو دانستن روابط فرازشوایی، در تمام فرهنگ‌ها به ویژه فرهنگ ایرانی باشد (خسروی، نظیفی و حیدرنیا، ۱۳۹۸). باتارا و همکاران (۲۰۱۸) نیز چنین تابویی را گزارش کرده‌اند؛ به نظر می‌رسد فرزندان، به دلیل آنکه از مطرح شدن چنین روابطی حتی برای دوستان نزدیک‌شان احساس خجالت دارند و می‌ترسند که مورد تمسخر یا ترحم آن‌ها واقع شوند، آن را مطرح نمی‌کنند. سایر پژوهش‌ها پیرشانی، شرم، سرزنش خود و کاهش اعتماد به نفس را نیز از جمله آسیب‌های ناشی از روابط فرازشوایی برشمرده‌اند (گوردون و میتچل، ۲۰۲۰). به علاوه فرزندان پژوهش حاضر، این مسئله را از اقوام خود نیز پنهان می‌کردند. ترسون (۲۰۱۵) در این راستا معتقد است فرزندان بزرگسال، بعد از اطلاع از رابطه فرازشوایی والدین تلاش می‌کنند چنین روابطی را پنهان نگه دارند و برای خود و خانواده، حریم‌های جدی‌تری قائل می‌شوند تا جزئیات رابطه فرازشوایی به افراد خارج از خانواده انتقال نیابد. علت ذکر شده، یعنی تابوی روابط فرازشوایی، می‌تواند زمینه‌ساز چنین رفتارهایی باشد.

تعبیر دیگر فرزندان از روابط فرازشوایی والدین، به تفاوت‌های جنسیتی موجود در این زمینه مربوط بود. به نظر می‌رسد هر فرزند قادر است علاوه بر کلیشه‌های جنسیتی موثر در روابط فرازشوایی، آن کلیشه‌ها و تأثیرات آن را به شکل منحصر به فردی در خانواده خودش مشاهده کند. اگرچه تفاوت‌های جنسیتی می‌تواند تحت تأثیر فرهنگ قرار بگیرد، اما به نظر می‌رسد در این زمینه، فرهنگ چندان نقش تعدیل‌کننده‌ای ایفا نکرده است؛ در این راستا و همخوان با نتایج پژوهش حاضر، لاسترمن (۱۹۹۸) نیز معتقد است فرزندان قادر هستند تفاوت‌های جنسیتی موجود در رابطه فرازشوایی را تشخیص دهند و به همین دلیل به ویژه در مواجهه با رابطه فرازشوایی مادر سکوت می‌کنند.

به علاوه فرزندان به عوامل ایجادکننده و نگهدارنده رابطه فرازشوایی والدین نیز واقف بودند؛ درخصوص عوامل ایجادکننده و نگهدارنده روابط فرازشوایی پژوهش‌های قابل توجهی انجام شده و هر یک از جنبه‌ای به عوامل موثر بر آن نگریسته‌اند (افشاری کاشانیان و همکاران، ۱۳۹۸)؛

پلوسو، ۲۰۱۹). نکته قابل توجه آنست که در سایر پژوهش‌ها، این عوامل، به شکلی چندجانبه بررسی شده‌اند و علاوه بر همسران، سایر عوامل از قبیل عوامل فردی، رابطه‌ای، زمینه‌ای و تحولات جامعه (فینچام و می، ۲۰۱۷) نیز مورد توجه بوده است، اما از دیدگاه فرزندان پژوهش حاضر، عوامل موثر در شکل‌گیری و ادامه این روابط، تنها بر رابطه والدین با یکدیگر، یعنی عوامل ارتباطی متمرکز بودند. از آنجا که فرزندان در رابطه فرازناشویی والدین غوطه‌ور هستند، تمرکز صرف آن‌ها بر عوامل رابطه‌ای، توجیه‌پذیر به نظر می‌رسد.

سومین مضمون اصلی پژوهش، به تغییرات ایجاد شده در خانواده اشاره داشت. تغییر و تخریب ارتباط با والدین، به ویژه والد پیمان‌شکن، یکی از این تغییرات بود. در این راستا، سنتس و همکاران (۲۰۱۰)، معتقدند فرزندان در صورتی می‌توانند تعامل مثبت و پایداری با والدین به عنوان مرجع قدرت داشته باشند، که بدانند از سوی آنان بدون قید و شرط پذیرفته می‌شوند. از طرفی، چراغی (۱۳۹۷) نیز بیان می‌کند در جامعه ایرانی، ابراز علاقه والدین به فرزندان حد مشخصی داشته و تا جایی ادامه می‌یابد که پای مسائل جنسی در میان نباشد. در ارتباط فرزندان با والدینی که سابقه رابطه فرازناشویی داشته باشند، به نظر می‌رسد فرزندان چنین پذیرش بدون قید و شرطی را تجربه نکنند، چرا که والدین با ورود فرد سوم، برای ابراز علاقه به فرزند، حد مشخصی قائل شده‌اند. از طرفی در این شرایط فرزندان هم، نسبت به حفظ رابطه با والدین‌شان بی‌علاقه می‌شوند (دی-کاستروبوئیل و همکاران، ۲۰۱۶)، بنابراین از آن‌ها فاصله می‌گیرند، که آن هم یکی از دلایل تخریب ارتباط با آن‌هاست. چنین مفاهیمی در تجربه فرزندان پژوهش حاضر نیز بیان شد.

به دنبال رابطه فرازناشویی والدین، ارتباط فرزندان با خواهر-برادرهایشان نیز تغییراتی پیدا می‌کند؛ در صورتی که خواهر/برادرها کوچک‌تر باشند، فرزندان بزرگ‌تر که خود آسیب‌سنجینی را متحمل شده‌اند، برای اجتناب از آسیب دیدن خواهر-برادر کوچک‌تر، رابطه فرازناشویی والدین را از آن‌ها مخفی خواهند کرد. در این زمینه ترسون (۲۰۱۳) نیز گزارش کرده است که فرزندان مطلع، برای صحبت درباره این مسئله با اعضای خانواده، سن و جنسیت آن عضو را مورد توجه قرار می‌دهند و در صورتی که موضوع مورد بحث را مناسب آن عضو ندانند، از صحبت پیرامون آن اجتناب می‌کنند. در سایر مواردی که خواهر-برادرها بزرگ‌تر یا تقریباً هم‌سن باشند، حضور آن‌ها مثبت ارزیابی خواهد شد. از این جنبه می‌توان به طور کلی، به تأثیرات مثبت چندفرزندی در خانواده اشاره کرد: پژوهش‌ها نشان می‌دهند تاب‌آوری و تمایز یافتگی فرزندان در خانواده‌های چندفرزند، به طور معناداری از خانواده‌های تک فرزند بیشتر است (صادقی و روشن‌نیا، ۱۳۹۶). به علاوه چندفرزندان از سازگاری، روحیه تعاون و همکاری بیشتری برخوردارند (ژانگ و همکاران،

۲۰۱۶). بنابراین در مواجهه با چنین پدیده‌ای، فرزندان که خواهر-برادر داشته باشند، بهتر خواهند توانست به مدیریت شرایط پردازند و از دلجویی یکدیگر برخوردار شوند. در خصوص ارتباط با اقوام و اطلاع آنان از رابطه فرزندانشویی، فرزندان پژوهش حاضر پیامدهایی غالباً منفی را گزارش کردند. در این زمینه یافته‌های متناقضی وجود دارد که به نظر می‌رسد به دلیل تفاوت میان اقوام و خانواده گسترده شرکت‌کنندگان پژوهش‌های مختلف باشد. ترسون (۲۰۱۴) معتقد است یکی از عواملی که می‌تواند باعث تشدید احساس گرفتاری در فرزندان شود، مداخله و اظهار نظر خانواده گسترده پیرامون روابط فرزندانشویی والدین یا پرسش آن‌ها از فرزندان درباره جزئیات این روابط است. در حالیکه یافته‌هایی نیز وجود دارد که بیان می‌کند دریافت حمایت درون خانوادگی از اعضای خانواده گسترده می‌تواند تأثیرات مثبتی در ارتقاء تاب‌آوری فرزندان داشته باشد (گریف و واندرو، ۲۰۰۴). آنچه در پژوهش حاضر مشاهده شد، تأثیرات منفی رابطه فرزندانشویی بر ارتباط با اقوام، و تأثیرات منفی حضور و اطلاع اقوام از این پدیده بود. در مجموع، فرزندان معتقد بودند تغییرات ایجاد شده هر یک از جنبه‌ای، کانون خانواده آن‌ها را مورد هدف قرار داده است.

چهارمین مضمون اصلی، به آسیب‌های فردی وارد شده به فرزند و مواردی مانند وارد آمدن فشار روانی فراتر از حد تحمل، اضطراب فراگیر، بیماری‌های سایکوسوماتیک و افکار خودکشی اشاره داشت. تقریباً تمام شرکت‌کنندگان پژوهش حاضر، در دوره نوجوانی و پیش از ورود به بزرگسالی از رابطه فرزندانشویی والدین‌شان مطلع شده بودند؛ دوره‌ای که به خودی خود با تغییرات متعدد، برای فرد و خانواده همراه است و می‌تواند آسیب‌پذیری بیشتری را در برابر عوامل استرس‌زای زندگی ایجاد کند (پیندا، ۲۰۲۰)، به علاوه، در نوجوانی افراد دوره‌های مختلف افسردگی را تجربه می‌کنند؛ حال اگر این دوره‌های افسردگی و استرس، با عوامل دیگری مانند روابط فرزندانشویی والدین تشدید شوند، فرزندان به احتمال بالایی علائم افسردگی را به شکل مضاعف تجربه خواهند کرد (بلوت و همکاران، ۲۰۱۹). در پژوهش حاضر نیز چنین تجربه‌های شدیدی از فشار روانی که فراتر از حد تحمل بوده است، گزارش شد.

اضطراب فراگیر، از دیگر آسیب‌های فردی است که فرزندان به دلیل ترس از طلاق یا سایر عواقب رابطه فرزندانشویی والدین، تجربه می‌کنند؛ هنگامی که یک رابطه فرزندانشویی اتفاق می‌افتد، بخش عمده‌ای از مشکل، مربوط به آن است که این موضوع به طور کامل مورد بحث قرار نمی‌گیرد و بحث نکردن در این باره باعث ایجاد ترس خواهد شد؛ ترس‌هایی مربوط به اینکه اگر چنین روابطی فاش شود، چه اتفاقی می‌افتد (میلر، ۲۰۱۵). شالکراس و همکاران (۲۰۱۴) معتقدند گرفتار شدن به اضطراب فراگیر، ممکن است به این دلیل باشد که افراد در مواجهه با رابطه

فرازناشویی؛ دیگران را کمتر حامی می‌دانند و بیشتر مستعد کناره‌گیری از آنان هستند، در حالیکه به تنهایی هم نمی‌توانند شرایط را مدیریت کنند. از این نظر، فرزندان با صحبت نکردن در این باره، خود را دچار اضطرابی فراگیر می‌کنند. ملاحظات فرهنگی موجود و ترس از طلاق در فرهنگ‌های جمع‌گرایی چون فرهنگ ایرانی، نیز می‌تواند در این مسئله نقش داشته باشد. مجموع پیامدهای نامطلوب روانشناختی که برای فرزندان ایجاد می‌شوند، ممکن است به بروز نشانه‌های جسمانی در آنان منجر شود.

شرکت‌کنندگان از افکار خودکشی نیز به عنوان یکی دیگر از آسیب‌هایشان نام بردند. به نظر می‌رسد خانواده‌های غیرمنسجم و آشفته، آمادگی بیشتری برای گرایش به خودکشی در افراد ایجاد می‌کنند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد تعارض‌های خانوادگی و مشکلات ارتباطی با اعضای خانواده، عامل خطری برای اقدام به خودکشی یا ایده‌پردازی برای چنین اقدامی در فرزندان هستند (والی‌نژاد و همکاران، ۱۴۰۰). بنابراین از آنجا که خانواده‌های درگیر در روابط فرازناشویی، از آشفته‌ترین خانواده‌هایی هستند که سطوح بالای تعارضات خانوادگی، افسردگی، اضطراب و آشفتگی را تجربه می‌کنند، شکل‌گیری افکار آسیب به خود یا خودکشی در فرزندان آنان دور از انتظار نیست.

پنجمین مضمون اصلی، ناظر به آسیب‌های بین‌فردی وارد شده به فرزندان بود و خود را در قالب دشواری برای اعتماد و وفادار ماندن به روابط بین‌فردی، مسائل مربوط ازدواج و مسائل مربوط به شغل یا تحصیل نشان داد. نابودی یا کاهش اعتماد در روابط نزدیک و خصوصاً در رابطه با اعضای خانواده، که ممکن است به دنبال روابط فرازناشویی یکی از والدین ایجاد شود، علاوه بر این که تداوم رابطه والدین را دچار تزلزل می‌کند، صمیمیت را کاهش می‌دهد و نگرانی و تنش روانی ایجاد می‌کند، پیامدهای مخربی نیز برای فرزندان، اطرافیان و حتی جامعه دارد (ویلیامز، ۲۰۱۳). نوگالس و بلوتی (۲۰۰۹) نیز معتقدند فرزندان که رابطه فرازناشویی والدین را تجربه کرده‌اند، در روابط خود با دیگران نمی‌توانند به آن‌ها اعتماد داشته باشند، از طرفی جذب افراد بی‌وفا می‌شوند و خود نیز به احتمال بالاتری وارد روابط خارج از ازدواج خواهند شد و مجموع این عوامل باعث خواهد شد نتوانند ارتباطات بین‌فردی سالمی داشته باشند. ایگان و همکاران (۲۰۲۱) نیز معتقدند سطوح بالای شرم و خودانتقادی در این فرزندان باعث می‌شود به سختی بتوانند در روابطشان با دیگران به احساس رضایت، امنیت و ملایمت دست یابند. در پژوهش حاضر نیز این مسئله، به ویژه برای دختران مواجه شده با رابطه فرازناشویی پدر مطرح بود.

شرکت‌کنندگان، برای ازدواج خود نیز دشواری‌هایی را گزارش کردند، دشواری‌هایی که تغییر دیدگاه بدبینه نسبت به مردان و به طور کلی نسبت به ازدواج، در آن نقش داشته است. به نظر

می‌رسد مشکلات خانواده اصلی، به شکلی بین‌نسلی خود را بروز می‌دهند و باورها، نگرش‌ها و الگوی تعاملی فرزندان را تحت تأثیر قرار می‌دهند. فرزندان با مشاهده کیفیت رابطه والدین‌شان در دوران کودکی و پس از تجربه اولین رابطه عاشقانه خود، در مورد ازدواج و ورود به یک رابطه بلندمدت تأمل می‌کنند (کوالردیو و ارنبرگ، ۲۰۱۶). موارا و ترلیک (۲۰۱۲)، نیز سلامت خانواده اصلی را با رغبت به ازدواج و سازگاری زناشویی مرتبط می‌دانند. از این نظر می‌توان گفت فرزندان که سابقه روابط فرازناشویی والدین را داشته‌اند، به این دلیل که سلامت خانواده اصلی آن‌ها آسیب دیده، نگرش‌شان نسبت به ازدواج نیز به شکلی منفی تحت تأثیر قرار گرفته است، به این ترتیب یا میلی به ازدواج ندارند و مجرد را ترجیح می‌دهند، یا معنا و هدف ازدواج برای آن‌ها تحریف شده و رنج بسیاری را همراه با ازدواج در نظر می‌گیرند. به ویژه دختران، خود را برای چنین امری آماده ندیده و از ازدواج دست می‌کشند.

یکی دیگر از جنبه‌های بین‌فردی که در فرزندان آسیب می‌بیند، مسائل مربوط به تحصیل و یا شغل آن‌هاست. در این زمینه پژوهش‌های بسیاری انجام شده که نشان می‌دهد والدین، عامل پیش‌بینی‌کننده‌ای برای موفقیت تحصیلی فرزندان هستند (گاندوز و همکاران، ۲۰۱۵). کهرآزنی و ریگی‌کوته (۱۳۹۵)، از منظر خودتنظیمی به بررسی تأثیرات والدین بر تحصیل فرزندان پرداخته و اظهار داشته‌اند والدین خودتنظیم‌گر می‌توانند از طریق فراهم کردن تسهیلات لازم برای یادگیری، فرزندان را در عملکرد تحصیلی‌شان یاری رسانند. از این نظر، با توجه به آنکه در خانواده‌های مواجه شده با روابط فرازناشویی، والدین آشفتگی قابل توجهی را تجربه می‌کنند، احتمالاً از فراهم کردن چنین تسهیلاتی برای فرزند ناتوان بوده و از این جنبه نیز آسیب‌هایی را به فرزند وارد می‌آورند. باتارا و همکاران (۲۰۱۸) نیز علت افت تحصیلی فرزندان را اشتغال فکری زیاد نسبت به وضعیت نابه‌سامان خانواده می‌دانند.

آخرین مضمون پژوهش، به رشدی اشاره داشت که برخی از فرزندان موفق شده بودند بعد از ضربه رابطه فرازناشویی والدین بدان دست یابند. رشد پس از ضربه با تغییرات مثبت روانشناختی پس از دست و پنجه نرم کردن با شرایط چالش‌برانگیز زندگی همراه است و پنج حیطة ارتباط با دیگران، در نظر گرفتن احتمالات جدید، توان شخصی، تغییر معنوی و قدردانی از زندگی را در بر می‌گیرد (کالهن و تدسچی، ۲۰۱۰). با توجه به این ۵ حیطة و تجارب شرکت‌کنندگان، به نظر می‌رسد آنان در سه حیطة ارتباط با دیگران، در نظر گرفتن احتمالات جدید و توان شخصی، رشد داشته‌اند. بدین شیوه که پس از مواجهه با ضربه رابطه فرازناشویی یکی از والدین، تصمیم گرفته‌اند خود را از جنبه فردی رشد دهند، بنابراین احتمالات جدیدی برای خود در نظر گرفته‌اند و توان شخصی لازم را در خود دیده‌اند، از جهتی اهمیت تعهد به خانواده و اعضای آن را درک

کرده و تصمیم گرفته‌اند در خانواده آتی خود برای آن ارزش بیشتری قائل شوند: بنابراین در حیطه ارتباط با دیگران نیز رشد کرده‌اند. ویسر و ویگل (۲۰۱۷) نیز معتقدند رخدادهایی منفی مانند خیانت یا طلاق نیز ممکن است برای فرزندان بزرگسال نتایج مفیدی به همراه داشته باشد، به این صورت که فرزندان، والدین خود را الگو قرار می‌دهند این امر می‌تواند به آنان کمک کند در روابط خود، مشابه رفتارهای ارتباطی والدین را انجام ندهند. به عبارتی، رابطه فرزندناشویی والدین اگرچه برای فرزندان، تجربه‌ای تروماتیک است، اما برخی از این تجربه درس می‌گیرند تا زندگی خود را متفاوت از والدین بسازند. (دی-کاستروفیل و همکاران، ۲۰۱۶).

آخرین یافته پژوهش، به جوهره مشترک تجربه فرزندان از رابطه فرزندناشویی والدین اشاره داشت. این جوهره، "آرزوی ترمیم خانواده و بازگشت به شرایط پیش از وقوع پیمان شکنی در عین آگاهی به عدم امکان پذیری آن" به دست آمد. به نظر می‌رسد یکی از باورهای رایج در میان فرزندان که از روابط فرزندناشویی والدین آگاه هستند، این است که چنین روابطی تنها مشکل در ازدواج والدین بوده و اگر این اتفاق رخ نمی‌داده، ارتباط میان والدین خوب و منطقی بوده است (میلر، ۲۰۱۵). این دیدگاه تفکیکی، به ویژه مربوط به زمانی است که فرزندان در مرحله‌ای سنی قرار دارند که والدین را بزرگسالانی بدون نقص می‌بینند. انگ و همکاران (۲۰۱۴) نیز معتقدند فرزندان وجود رابطه فرزندناشویی را تنها عامل اختلاف و جدایی والدین می‌دانند. در حالیکه به واقع چنین نیست و ورود به رابطه فرزندناشویی، علامتی از وجود مشکلات عمیق‌تر در رابطه همسران است (پلوسو، ۲۰۱۹). با توجه به تجارب فرزندان، به نظر می‌رسد آن‌ها قادر به درک مشکلات زیربنایی‌تر موجود در رابطه والدین‌شان نبوده‌اند؛ به همین جهت آرزو می‌کنند به شرایط قبل از وقوع رابطه فرزندناشویی بازگردند. در حالیکه به احتمال زیاد، آن شرایط هم شرایطی آسیب‌زا بوده است. از طرفی، فرزندان آگاه هستند که چنین آرزویی دست‌یافتنی نیست؛ این آگاهی می‌تواند از فهم آن‌ها از اثرات عمیق و جبران‌ناپذیر رابطه فرزندناشویی برای خانواده و به ویژه برای فرزندان حکایت داشته باشد.

از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به این مطلب اشاره کرد که نمونه پژوهش، افراد بالای ۱۸ سالی بودند که حداقل ۵ سال قبل از زمان مصاحبه، از وجود چنین روابطی در بین والدین‌شان مطلع شده بودند، از این رو ممکن است تجربیات گزارش شده آنان، تجربیاتی باشد که در طول زمان، دستخوش تغییراتی شده است. به علاوه، شرکت‌کنندگان به شبکه‌های اجتماعی دسترسی داشتند و کاربر اینترنت بودند، در تجربیات فرزندان که به این امکانات دسترسی ندارند یا افراد ساکن مناطق روستایی و حاشیه‌ای، ممکن است تفاوت‌هایی وجود داشته

باشد. در پژوهش حاضر، تنها به فرزندان توجه شده و در نظر نگرفتن متغیرهای خانوادگی دخیل در تجربه آنان، نیز از دیگر محدودیت‌های پژوهش است. پیشنهاد می‌شود سازوکارهای انتقال بین نسلی رابطه فرازنشویی والدین به فرزندان در فرهنگ ایرانی بررسی شود. انجام پژوهش‌های طولی بر روی این فرزندان پیش از ازدواج و پس از آن نیز مطلوب به نظر می‌رسد. به علاوه پیشنهاد می‌شود به تفاوت تجربه زیسته فرزندان دختر و پسر و طراحی بسته‌های مداخلاتی متناسب با آنان نیز پرداخته شود.

موازن اخلاقی

مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول در رشته مشاوره خانواده دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه شهید بهشتی، با کد اخلاق IR.SBU.REC.1400.158 و تاریخ دفاع ۱۴۰۰/۶/۳۱ است.

مشارکت نویسندگان

نویسنده اول محقق اصلی پژوهش و نویسنده دوم استاد راهنمای پایان‌نامه است.

تعارض منافع

نویسندگان هیچ تضاد منافی در رابطه با این پژوهش ندارند و این مقاله بدون حامی مالی نگاشته شده است.

سپاسگزاری

نویسندگان کمال تشکر خود را نسبت به تمامی شرکت‌کنندگان محترم پژوهش، ابراز می‌دارند.

References

- Afshari Kashanian O, Zahrakar K, Mohsen Zadeh F, Tajik Esmaili A A. (2019). Detection of Predisposing factors in women marital infidelity. *QJCR*, 18 (71) :121-154. [[Link](#)]
- Amelia, Nanda, Rahmania, Tia, & Dewi, Mulia Sari. (2020). Description of Ethical Perception About Corruption Measures In Youth Who Have Parents With Corruption Behavior. *1st International Conference on Religion and Mental Health*, Jakarta, Indonesia. [[Link](#)]

- Apostolou, M., Demosthenous, A. (2021). Why People Forgive Their Intimate Partners' Infidelity: A Taxonomy of Reasons. *Adaptive Human Behavior and Physiology* 7, 54–71. [\[Link\]](#)
- Aziz, M. (2015). Perilaku sosial anak remaja korban broken home dalam berbagai perspektif (Suatu penelitian di SMPN 18 kota Banda Aceh). *Al-Ijtima'iyyah*, 1(1), 30-50.[\[Link\]](#)
- Bahonar F, Saneemansh M, Kahrizeh M. (2022). The phenomenology of the emotions of adult children affected by parental infidelity. *Rooyesh*, 11 (8), 175-186[\[Link\]](#)
- Batara, J.B., Guanzon, A.B., Macaloyos, J.L., Diaz, C.L., Albao, J.C., & Villano, M.D. (2018). Parental Infidelity and Children's Reactions: A Case Study in a Filipino Family. *PRism*, 23(1).[\[Link\]](#)
- Blöte, A.W., Miers, A.C., Van den Bos, E., Westenberg, P.M. (2019). Negative social self cognitions: How shyness may lead to social anxiety. *Journal of Applied Developmental Psychology*, 63(1), 9-15.[\[Link\]](#)
- Bradshaw, C., Atkinson, S., Doody, O. (2017). Employing a Qualitative Description Approach in Health Care Research. *Global Qualitative Nursing Research*, 4. [\[Link\]](#)
- Buss, D.M. (2018). Sexual and emotional infidelity: Evolved gender differences in jealousy prove robust and replicable. *Perspectives on Psychological Science*, 13(2), 155-160.[\[Link\]](#)
- Calhoun, L. G., Cann, A., & Tedeschi, R. G. (2010). *The posttraumatic growth model: Sociocultural considerations*. In T. Weiss & R. Berger (Eds.), *Posttraumatic growth and culturally competent practice: Lessons learned from around the globe*. John Wiley & Sons, Inc.[\[Link\]](#)
- Cheraghi, M. (2019). Psychological Analysis of Parent-Child Relationship in Iranian Proverbs: A Qualitative Study. *Journal of Family Research*, 14(3), 383-410. [\[Link\]](#)
- Collardeau, F., & Ehrenberg, M.F. (2016). Parental Divorce and Attitudes and Feelings toward Marriage and Divorce in Emerging Adulthood: New Insights from a Multiway-Frequency Analysis. *Journal of European Psychology Students*, 7(1), 24–33.[\[Link\]](#)
- De Castro-Bofill, F. R., Barrameda, M. J., Dadvivas, M. C., Panganiban, E. R., San Jose, A. C. (2016). Living within a broken vow: The impact of parental infidelity among late adolescents in establishing romantic relationships. *Universal Journal of Psychology*, 4(5), 228-35.[\[Link\]](#)
- Egan, H., O'Hara, M., Cook, A., & Mantzios, M. (2021). Mindfulness, self-compassion, resiliency and wellbeing in higher education: a recipe to increase academic performance. *Journal of Further and Higher Education*, 1 -11.[\[Link\]](#)

- Fatehizade, M., Choupani, M., Asanjarani, F., & de Castro Correa, A. M. (2022). Investigating Existential Crises of Unfaithful Men and Examining the Effectiveness of Indigenous Counseling Based on Marital Infidelity Tendency. *Applied Psychology*, 16(1), 228-203. [\[Link\]](#)
- Fincham, F. D., & May, R. W. (2017). Infidelity in romantic relationships. *Current Opinion in Psychology*, 13, 70-74. [\[Link\]](#)
- Gordon, K. C., Mitchell, E. A. (2020). Infidelity in the Time of COVID19. *Family Process*, 59(3), 956-966. [\[Link\]](#)
- Greeff, A. P., Van Der Merwe, S. (2004). Variables associated with resilience in divorced families. *Social Indicators Research*, 68(1), 59-75. [\[Link\]](#)
- Gündüza G, Yagmurlua B & Harmab M. (2014). SelfRegulation Mediates the Link Between Family Context and Socio emotional Competence in Turkish Preschoolers. *Early Education and Development*. 26 (5-6), 55-70. [\[Link\]](#)
- Harris, C. (2018). *Characteristics of Emotional and Physical Marital Infidelity That Predict Divorce*. Doctoral thesis of Psychology, Alliant International University, Alhambra, America. [\[Link\]](#)
- Heather, A.A. (2020). *Attachment and Perceived Infidelity of Military Spouses During Active-Duty Members' Deployment*. Doctoral Thesis of Psychology, Walden University. Washington, America. [\[Link\]](#)
- Heidecker, N.R. (2019). *The Moderating Effect of Self-Compassion on the Relationship between Post Divorce Adjustment and Adult Attachment for Individuals in a Remarriage*. Submitted to Northcentral University. [\[Link\]](#)
- Israel, A. C., Malatras, J. W., Wicks-Nelson, R. (2020). *Abnormal child and adolescent psychology*. Routledge. [\[Link\]](#)
- Kahrazee F, Rigi Kooteh B. (2016). Relationship Between the Family Function with Academic Self-Regulation among the Nursing Students . *Educ Strategy Med Sci*, 9 (3), 186-193. [\[Link\]](#)
- Khosravi, A., Heydarnia, A., & Nazifi, M. (2019). The role of Religious Attitude in Attitude towards Infidelity: The Mediating Role of Subjective Well-being. *Positive Psychology Research*, 5(3), 13-28. [\[Link\]](#)
- Krefting, L. (1991). Rigor in qualitative research: The assessment of trustworthiness. *American journal of occupational therapy*, 45(3), 214-222. [\[Link\]](#)
- Lubis, Rahmi, Hinduan, Zahrotur Rusyda, Jatnika, Ratna, & Agustiani, Hendriati. (2021). Qualitative Research: Family Function and Sexual Intention Based on Theory of Planned Behavior on Middle Adolescents in Medan. *Ist Paris Van Java International Seminar on Health, Economics, Social Science and Humanities*, Atlantis Press. [\[Link\]](#)
- Lusterman, D.-D. (1998). *Infidelity: A survival guide*. Oakland, CA: New Harbinger Publications. [\[Link\]](#)

- Matondang, A. (2014). Faktor-faktor yang mengakibatkan perceraian dalam perkawinan. *Journal of Governance and Political Social*, 2(2), 141-150. [\[Link\]](#)
- Miller, J. D. (2015). Understanding Psychopathy Using the Basic Elements of Personality. *Social and Personality Psychology Compass*, 9(5), 223-237. [\[Link\]](#)
- Muraru, A. A., Turliuk, M. N. (2012). Family-of-origin, romantic attachment, and marital adjustment: A path analysis model. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 33,90–94. [\[Link\]](#)
- Negash, S., & Morgan, M. L. (2016). A family affair: Examining the impact of parental infidelity on children using a structural family therapy framework. *Contemporary Family Therapy. An International Journal*, 38(2), 198–209. [\[Link\]](#)
- Nogales, A. (2020). *Parents who cheat: How children and adults are affected when their parents are unfaithful*. Health Communications, Inc. [\[Link\]](#)
- Nogales, A., Bellotti, L. G. (2009). *Parents Who Cheat: How Children and Adults Are Affected When Their Parents Are Unfaithful*. Health Communications, Inc. [\[Link\]](#)
- Ong, A., Poon, P., Sibya, S., Macapagal, E. (2014). Gender, adult attachment styles, and the tendency to commit dating infidelity: A mixed methods study. *Philippine Journal of Psychology*, 47(11), 93-116. [\[Link\]](#)
- Pineda, A. (2020). *Parental Divorce and Its Effects on the Emerging Adult*. Alliant International University. [\[Link\]](#)
- Peluso, P. R. (2019). *A Family Systems Guide to Infidelity: Helping Couples Understand, recover from, and Avoid Future Affairs*. New York: Routledge. [\[Link\]](#)
- Sadeghi, M.; Roshannia, S. (2016). Investigating the role of family population on children's psychological dimensions: life expectancy, resilience and differentiation. *The Women and Families Cultural-Educational*, 11(36), 99-121. [\[Link\]](#)
- Safitri, S., Supratman, L.P. (2022). Teenagers Perception of Committed Relationship On Their Parents Infidelity in North Sumatra. *Syntax Literate*, 7(12), 18376-18388. [\[Link\]](#)
- Salih, L., & Chaudry, S. (2021). Exploring the lived experience of parental infidelity, *Journal of Family Studies*, 29(1), 407-430. [\[Link\]](#)
- Sanchez, C. (2016). *Exploring the Impact of a Mother's Affair on Her Adult Offspring: A Qualitative Phenomenological Study*. Doctoral Thesis of Psychology in Marital and Family Therapy. The Chicago School of Professional Psychology. [\[Link\]](#)

- Schmidt, B.A. (2013). *The effects of infidelity and inter parental conflict on predominantly female adult children: A contextual perspective*, Master Thesis of family science, Texas Woman's University. Texas. [[Link](#)]
- Schmidt, A. E., Green, M. S., Sibley, D. S., Prouty, A. M. (2016). Effects of parental infidelity on adult children's relational ethics with their partners: A contextual perspective. *Journal of Couple & Relationship Therapy*, 15(3), 193-212. [[Link](#)]
- Sentse, M., Lindenberg, S., Omvlee, A. et al. (2010). Rejection and Acceptance Across Contexts: Parents and Peers as Risks and Buffers for Early Adolescent Psychopathology. The TRAILS Study. *J Abnorm Child Psychol*, 38, 119-130. [[Link](#)]
- Shallcross, S. L., Frazier, P. A., Anders, S. L. (2014). Social resources mediate the relations between attachment dimensions and distress following potentially traumatic events. *Journal of counseling psychology*, 61(3), 352-362. [[Link](#)]
- Smith, J. A. Osborn. (Ed.). (2015). *Qualitative psychology: A practical guide to research methods*. Sage. [[Link](#)]
- Tan, W. N., Yasin, M. (2020). Parents' roles and parenting styles on shaping children's morality. *Universal Journal of Educational Research*, 8(3C), 70-76. [[Link](#)]
- Thorson, A.R. (2013). Adult Children's Discovery of Their Parents' Infidelity. *Qualitative Communication Research*, 2(1), 61-80. [[Link](#)]
- Thorson, A. R. (2014). Feeling caught: Adult children's experiences with parental infidelity, *Qualitative Research Reports in Communication*, 15(1), 75-83. [[Link](#)]
- Thorson, A. R. (2015). Investigating adult children's experiences with privacy turbulence following the discovery of parental infidelity. *Journal of Family Communication*, 15(1), 41-57. [[Link](#)]
- Thorson, A. R. (2017). Communication and parental infidelity: A qualitative analysis of how adult children cope in a topic-avoidant environment, *Journal of Divorce & Remarriage*, 58(3), 175-193. [[Link](#)]
- Thorson, A. R. (2019). Investigating the relationships between unfaithful parent's apologies, adult children's third-party forgiveness, and communication of forgiveness following parental infidelity. *Journal of Social and Personal Relationships*, 36(9), 2759-2780. [[Link](#)]
- valinezhad, A., Nemattavousi, M., Rezabakhsh, H., Kraskian Mujemrari, A., & Hovassi Soomer, N. (2021). The Mediating Role of Interpersonal needs, Parent- Adolescent Conflict in the Relationship Between Parenting Styles, Basic Needs with Non-Suicidal Self-Injury, Suicidal Ideation. *Applied Psychology*, 15(3), 564-537. [[Link](#)]

- Vangelisti, A. L., Caughlin, J. P. (1997). Revealing family secrets: The influence of topic, function, and relationships. *Journal of Social and Personal Relationships*, 14(5), 679–705. [\[Link\]](#)
- Weiser, D. A., Lalasz, C. B., Weigel, D. J., Evans, W. P. (2014). A prototype analysis of infidelity. *Personal Relationships*, 21, 655–675. [\[Link\]](#)
- Weiser, D.A., Weigel, D.J. (2017). Exploring intergenerational patterns of infidelity. *Personal Relationships*, 24, 933-952. [\[Link\]](#)
- Williams, K., Knudson-Martin, C. (2013). Do therapists address gender and power in infidelity? A feminist analysis of the treatment literature. *Journal of Marital and Family Therapy*, 39(3), 271-284. [\[Link\]](#)
- Yang, J., Hou, X., Wei, D., Wang, K., Li, Y., Qiu, J. (2016). Only-child and non-only-child exhibit differences in creativity and agreeableness: evidence from behavioral and anatomical structural studies. *Brain imaging and behavior*, 1-10. [\[Link\]](#)

